

تحلیل جایگاه شبکه روابط اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در اندیشه تمدنی مالک بن نبی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۸

محمدعلی کاظم بیگی^۲

سعید سالاری^۳

چکیده

مالک بن نبی متفکر معاصر الجزایری به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین ایده‌پردازان و تحلیلگران حوزه تمدن از منظر تاریخی_اجتماعی شناخته می‌شود. در این پژوهش، به دنبال آن هستیم تا جایگاه و عوامل مؤثر بر شبکه روابط اجتماعی در شکل‌گیری جوامع و تمدن‌ها را از منظر او بررسی کنیم. سه پرسش اصلی که در این باب و در مسیر این پژوهش، بدان پرداخته می‌شود عبارت‌اند از: اهمیت شبکه روابط اجتماعی، درک وضعیت شبکه روابط اجتماعی و عوامل مؤثر بر شبکه روابط اجتماعی. برای فهم این سه، آثار بن نبی در طی یک مطالعه نظام‌مند مورد بررسی و داده‌های مربوطه استخراج و ذیل تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بن نبی این شبکه را مهم‌ترین عامل نگه‌دارنده و پیش‌برنده حرکت جوامع در حوزه تمدنی می‌داند. از منظر او، میزان قدرت و پویایی جامعه نمایانگر میزان سلامت این شبکه است و دسته‌ای از پدیده‌های درون جامعه و برون از جامعه قادر به اثرگذاری بر این شبکه هستند.

واژگان کلیدی: شبکه روابط اجتماعی، تمدن، تعامل اجتماعی، نیاز اجتماعی، استعمارپذیری

۱. مقاله مستخرج از رساله

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران mabeyki@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) ssalari@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

جمع شدن آدمیان در کنار یکدیگر و حرکتشان به سمت تشکیل جامعه مهم‌ترین گام در ساخت تمدن و فرهنگ شهر است. در واقع، تشکیل جامعه رویدادی بس پیچیده و حیرت‌انگیز در تناسب‌سازی میان خصایص مادی و معنوی شماری از انسان‌هاست. مشاهده جمع شدن انسان‌ها با روحیه‌ای مشترک، بسیاری متفکران حوزه جامعه‌پژوهی و تمدن‌کاوی را بر این داشت تا در نحوه ساخته شدن جامعه و عوامل و اسباب قوام‌بخش و متزلزل‌کننده آن به تحقیق بپردازند. متفکران مسلمان نیز، همچون دیگر متفکران در این حوزه، به تحلیل چنین امری پرداخته‌اند. با این توجه که غالب این دسته از متفکران، در تحلیل‌های خود به امر دین و مسئله معنویت دینی نگاه ویژه‌ای داشته‌اند. شدت توجه به این موضوع البته تحت‌تأثیر دوران مدرن و همچنین ظهور پدیده استعمار قرار گرفت. رشد متدهای تحلیلی جامعه‌شناختی و حوزه‌های وابسته که غربی‌ها نظم آکادمیکی بدان‌ها داده بودند نیز کمکی بود برای این اندیشگران تا رهیافت خود را بهینه کنند. متفکرین اسلامی پس از طی دوره‌هایی مختلف از برخورد با نظریات جامعه‌پژوهانه غرب، زمزمه تولید نظریه یا بومی‌سازی ایده‌ها متناسب با بافت و فرهنگ جوامع خود را به پیش کشیدند. البته باید توجه داشت که میزان توجه و روش تحلیل در میان این متفکران متفاوت بوده است و حسب مسئله مورد دغدغه ایشان و حوزه دانشی که بیشتر در آن قدم گذارده بودند، زاویه دیدهای متفاوتی را برای تحلیل اجتماعی و تمدنی انتخاب کردند. این پژوهش نیز با برگزیدن مالک بن‌نبی از میان متفکرین معاصر، که دغدغه اصلی‌اش تحلیل تمدنی و شناخت رفتار جوامع در حوزه تمدنی بوده، قصد دارد تا مخاطب را با زوایای اندیشه او در این زمینه و با تأکید بر شبکه روابط اجتماعی آشنا سازد.

مالک بن‌نبی در دوره‌ای زندگی‌اش در خانواده‌ای مسلمان و روستایی و فقیر در الجزایر آغاز شد که سرزمینش بیش از ۷۰ سال گرفتار استعمار مستقیم فرانسوی‌ها بود (مهتدی، ۱۳۹۳). دانستن این موضوع به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که شرایط رخ داده برای شکل‌گیری ذهنیت تحلیلی او چگونه است. بررسی سرگذشت او نشان می‌دهد که با وجود غلبه زبان فرانسوی بر زندگی او، هویت دینی و تأثر از اصالت‌های اسلامی، بنیان بومی شخصیت او را حفظ کرده بود.

همچون بسیاری از دانشجویان الجزایر تحت استعمار، او نیز برای ادامه تحصیل عازم فرانسه می‌شود تا در یکی از رشته‌های مهندسی با کسب تخصص، زمینه یافتن حرفه را برای خود تسهیل کند. مالک در پاریس و در حین تحصیل در حوزه فنی به مطالعات اسلامی کشیده و در این زمینه شروع به تحقیق می‌کند (همان). همان‌گونه که بدان اشاره شد، وی به سراغ خوانشی اجتماعی از دین می‌رود و دغدغه اصلی خود را تحلیل تمدن و چندوچون ساخت آن قرار می‌دهد (ولد اباه، ۲۰۱۰: ۱۳۶). از آثار او می‌توان دریافت که مالک با نظریات غربی در این زمینه به خوبی آشناست (میرزایی، ۱۳۹۳: ۹۳). مالک در روند مطالعات اسلامی، شاگرد ابن بادیس الجزایری می‌شود. او پس از چندی، سفرهای خود را آغاز و با ورود به مجامع علمی برخی کشورهای اسلامی به تبیین نظرات تمدن‌محور خود می‌پردازد. پس از ورود الجزایر به مرحله استقلال از فرانسه، وی به سمت مدیرکل آموزش عالی منصوب می‌شود اما پس از چندی، با ارائه استعفا خود، هم‌نش را صرف مباحث علمی و فکری می‌کند (مهتدی، ۱۳۹۳). لقبی که بن‌نبی بدان شناخته شده فیلسوف تمدن است و در بسیاری از متون نگاشته شده در مورد او، وی را خلف ابن‌خلدون دانسته‌اند (محمودیان، ۱۳۹۷: ۲). مالک مسئله اصلی در تغییر احوال جامعه را تمدن می‌داند و معتقد است که برای تغییر در احوال عالم و انسان باید نگاهی تمدنی داشت. به تحلیل او مشکلات جوامع آنگاه که از چارچوب تمدنی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند، پاسخی درست دریافت می‌کنند (بن‌نبی، ۱۹۹۲: ۲۱۴). مالک گذر وضعیت یک جامعه از شرایط نامطلوب به مطلوب را در تغییر روح تمدنی آن می‌داند (همان، ۲۰۰۲: ۳۱). وی قوام حکومت در حرکت درست را نیز پابست وضعیت جامعه می‌داند و مکرراً یادآوری می‌کند که جامعه استعمارپذیر حکومت استعمارپذیر پدید می‌آورد (همان، ۱۹۹۲: ۵۹). مالک استعمارپذیری را برای یک جامعه بیماری جدی عنوان می‌کند؛ گونه‌ای از بیماری که وابستگی به غیر را افزایش می‌دهد و عوض تمایل به تولید توسط ذهن و دست اهالی جامعه گرایش به انباشتن محصولات دیگران را در جامعه ازدیاد می‌بخشد (همان، ۲۰۰۰ ج: ۶۸). وی با دقیق‌تر کردن نگاه در باب رسوخ استعمار در یک تمدن و جامعه نشان می‌دهد که ضعف و فقدان یک شبکه سبب ظهور و نفوذ چنین موجودی به حیات زندگی یک بوم زیست می‌شود. این شبکه همان شبکه روابط

اجتماعی است که یکی از پایه‌های اصلی بررسی کیفیت جوامع در اندیشه مالک بن نبی می‌شود. از این رو، بررسی جایگاه و کارکرد این شبکه در نگاه او در کنار بالا بردن میزان شناخت ما نسبت به چنین متفکری، ما را به درک و اهمیت این مفهوم آشنا تر می‌سازد.

اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش با هدف آشناسازی مخاطب با بخشی از اندیشه بن نبی قصد آن دارد تا مفهوم شبکه روابط اجتماعی را در تفکر او مورد واکاوی قرار دهد و بدین سان اهمیت این شبکه روابط، درک وضعیت آن و عوامل مؤثر بر شبکه را برای مخاطب تشریح کند. پیرو این هدف، سؤالات پژوهش پیش رو عبارت‌اند از: در اندیشه تمدنی بن نبی علت اهمیت شبکه روابط اجتماعی به چه سبب است؟ بر مبنای نظر مالک وضعیت شبکه روابط اجتماعی چگونه سنجیده می‌شود؟ بن نبی چه عواملی را بر کیفیت شبکه روابط اجتماعی مؤثر می‌داند؟

پیشینه تحقیق

نخستین گروهی که به پژوهش و تبیین آثار مالک بن نبی و شرح ایده‌ها و آرا او پرداختند حلقه متصل به او یعنی دانشجویان و پیروان نگاه فکری‌اش بودند. توجه دسته‌ای از دانشجویان مالک به آثار او به خاطر ارتباط فکری مالک با ابن بادیس و نگاه قوی دینی مالک به مسائل و چالش‌ها بود. در واقع، درک دینی مالک سبب شد تا شماری از نویسندگان و متفکران، که گرایش دینی و اسلامی داشته‌اند و در پی تحلیل دینی موضوعات بودند، جذب آثار و نگاه او شوند و به شرح و تبیین آثار او یا به ایده‌گیری از آثار او بپردازند. در حوزه زبان فارسی اما اقبال بسیار اندکی به مالک شد و به نوعی می‌توان گفت شخصیتی ناشناخته باقی ماند. در سال‌های اخیر، البته مقالاتی انگشت‌شمار، به ذکر نام مالک و قسمتی از اندیشه او به صورت کلی پرداختند. ناظر به موضوع فوق یعنی بررسی شبکه روابط اجتماعی در نظام فکری او، اثر مستقیم یا حتی ضمنی مشاهده نشد. با وجود این، حسب مطالعه و خوانشی که بر مقالات و یادداشت‌های تولیدی در زبان فارسی انجام گرفت، می‌توان به نکاتی اشاره کرد. نجفعلی میرزایی در مقاله «بررسی کلی مفاهیم

پایه تمدن اسلامی در اندیشه مالک بن نبی، با هدف تبیین مفاهیم تمدن اسلامی در اندیشه مالک و آشنا ساختن مخاطب با ظرفیت فکری او، به دنبال این است تا کمکی در راستای برون رفت از چالش‌های فکری حوزه تمدن انجام دهد. میرزایی با وجود اشاره‌هایی که به دغدغه اجتماعی مالک داشته و به دنبال بررسی مفاهیم پایه بوده، به مقوله شبکه روابط اجتماعی ورود نکرده است؛ هرچند نوشته این پژوهشگر به شکل‌گیری ذهنیت مخاطب نسبت به مالک کمک خوبی می‌کند (میرزایی، ۱۳۹۳: ۸۹-۱۱۷). مقاله «بررسی تطبیقی نظریه تمدن از دیدگاه فوکوتساوا و مالک بن نبی»، نوشته عطاءآبادی و بیابان نورد نیز مقاله‌ای دیگر است که نویسندگان هدف خود را یافتن راهبردی تمدنی برای برون رفت کشورهای جهان سوم از چالش‌هایشان بر مبنای نظریات فوکوتساوا و بن نبی قرار داده‌اند. نگارندگان در این مقاله با اشاره بر اهمیت شبکه روابط اجتماعی از منظر مالک به این سخن می‌رسند که «نقطه عزیمت برای بازسازی تمدن اسلامی باید تلاش برای سازمان‌دهی مجدد قوا برای بازسازی شبکه‌ای قوی از روابط اجتماعی بر مبنای عناصر تمدنی و با خمیر مایه دینی آن باشد» (محمودیان، ۱۳۹۳: ۱۷۶). این مقاله نیز در مجموع، بیش از نیم صفحه به این مهم نمی‌پردازد. در نگاشته دیگر؛ یعنی مدخل «مالک بن نبی» در دانشنامه جهان اسلام نیز نویسنده به شیوه مدخل‌نویسی به ذکر این مهم یعنی شبکه روابط اجتماعی در جملاتی کوتاه پرداخته و نشان داده که در اندیشه مالک کیفیت حیات تمدن و بوم زیست اجتماعی با وضعیت این شبکه ارتباط دارد (مهتدی، ۱۳۹۳). به هر روی، اندک مقالات دیگری نیز در فضای فارسی، مالک را به‌عنوان بخشی از کار پژوهشی خود هدف قرار داده، اما بیشتر به معرفی کلیت اندیشه او بسنده کرده‌اند. ما در اینجا یکی از مفاهیم کلیدی اندیشه او، یعنی شبکه روابط اجتماعی، را به‌طور ویژه‌ای، مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

ملاحظات نظری

روابط اجتماعی شالوده شکل‌گیری جامعه است (McManus, 2012: 1). این روابط سبب دسترسی اعضای جامعه، گروه‌ها و کلیت جامعه به اهداف خود می‌شود. کنش مؤثر در جامعه نیز در پی شکل‌گیری شبکه روابط به‌دست می‌آید. موضوع پایه در چنین امری روابط است و

از این رو، سنگ بنای سازنده جامعه، شبکه‌های تعاملی روابط هستند (Benlahcene, 2013: 59). اعضای شبکه و روابط و پیوندهایی که میان آنها برقرار می‌شود، بنیان‌های ساخت اجتماعی شبکه شناخته می‌شوند. این پیوندها هم اعضا و هم گره‌ها که در ساحت این شبکه شکل می‌گیرد را به هم مرتبط می‌سازند. باید گفت که اعضا می‌توانند، اشخاص، گروه‌ها، نهادها، موجودیت‌های حقوقی و سازمان‌ها و... باشند (باستانی، ۱۳۸۶: ۶۷). تحلیلی که به دنبال بررسی آثار و اندیشه‌ها ناظر به شبکه روابط اجتماعی است به دنبال سنجش نسبت اعضا و کیفیت و نتیجه این پیوندها می‌باشد. از منظر سرمایه اجتماعی نیز، این پیوندها و روابط، که در مقوله شبکه مرکزیت را دارند، سرمایه شناخته می‌شوند. این سرمایه همچنین در ابعادی چون بعد ساختی، تعاملی و کارکردی در نظر گرفته می‌شود (همان: ۷۶). در همین زمینه، امر مهمی که بر مبنای تحقیقات نظریه پردازان مطالعات اجتماعی در حوزه شبکه روابط آشکار می‌شود این است که این شبکه در نسبت با فرصت‌سازی برای جامعه و اعضای آن باید مطرح شود (اعظم آزاده، ۱۳۸۷: ۲). این یعنی در تحلیل نظری پدیده مذکور باید بدانیم که حسب هر کنش وارد و مؤثر بر شبکه روابط اجتماعی، چه فرصت‌هایی برای رشد فردی و اجتماعی به دست می‌آید و چه فرصت‌هایی از میان می‌رود. همچنین عوامل مؤثر بر این شبکه باید از حیث تأثیرشان بر نظام فرصت‌ها در نظر گرفته شوند.

ما در اینجا و برای چارچوب‌شناسی نظری برای فهم اندیشه مالک بن‌نبی در باب شبکه روابط اجتماعی، در پی درک اهمیت، وضعیت و عوامل مؤثر بر آن از همین حیث فرصت‌ها هستیم. فرصت‌هایی که برای عوالم اجتماعی، عمل اجتماعی، اثربخشی، انرژی زیستی، جهت‌ها، ارتباطات میان نسلی، قوانین اخلاقی، همبستگی میهنی و... به دست می‌آید و/یا کمرنگ می‌شود و از میان می‌رود.

روش تحقیق

روشی که برای انجام این پژوهش استفاده شد روش اسنادی است. در این روش، در واقع، با پایه قرار گرفتن اسناد، داده‌های ناظر به موضوع پژوهش استخراج و تحلیل‌های مسئله‌محور مربوط

به مسئله پژوهش صورت‌بندی می‌شوند. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند بیشتر شامل اطلاعات و نتایجی است که نویسندگان و پژوهش‌گران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۲۶). باید دانست که در زمینه مطالعات اسنادی، نمی‌توان اسناد را بدون زمینه شکل‌گیری آنها مورد واکاوی قرار داد. فاصله زمانی نیز که از زمان وقوع رویداد مدّ نظر پژوهش تا زمان پژوهش اسنادی پدید می‌آید، باید هوشمندانه مورد توجه محقق قرار گیرد تا عوامل اصیل رویکرد تاریخی را با جامعیت و باریک‌بینی بیشتری بشناسد (ساروخانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۵۶). فارغ از زمینه شکل‌گیری سند، توجه به کاربرد و کارکرد آن نیز ضروری است. این روش مزیتی ویژه در شناخت تاریخی و شناخت جوانب مختلف مسئله به محقق می‌دهد و این‌گونه می‌تواند سنگ بنای انواع دیگر پژوهش درباره مسئله یا موضوع مورد نظر شود. در واقع، پژوهشگران برای در پیش گرفتن روش‌های دیگر پژوهشی در باب یک موضوع، نیاز دارند تا با نتایج برآمده از مطالعات اسنادی آشنا شوند. در این روش، اسناد موجود منبع اصلی مشاهده و تحلیل هستند و از این رو، دسته‌بندی و ارزش‌گذاری منابع برای این شیوه ضروری است. در شیوه اسنادی، پس از گزینش اسناد تأیید شده از جهت اعتبار، پیکره اسناد را شکل می‌دهیم تا بدین شیوه بررسی بینامتنیت اسناد فراهم شود. با در نظر گرفتن این مسئله که اسناد معنا و درون‌مایه خود را از یکدیگر می‌گیرند، باید دسته‌ای از اسناد را شناسایی و مورد گزینش قرار دهیم تا بدین طریق، بتوانیم ارجاعات فرامتنی اسناد به یکدیگر را به‌درستی تشخیص دهیم و از افتادن در خطای تحلیل نابجای اسناد رهایی یابیم (فلیک، ۱۳۸۷، ۲۷۹).

پژوهش پیش رو نیز با انتخاب چنین شیوه‌ای و لحاظ کردن دقایق و ظرایف کار اسنادی به گزینش و دسته‌بندی آثار بن‌بسی در موضوع مربوطه پرداخته و سپس تحلیل‌های سبب‌شناختی را ناظر به سؤالات تعیین شده برای پژوهش ارائه داده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش بر مبنای سؤالات مطرح‌شده اثر حاضر از این قرار است:

۱. اهمیت شبکه روابط اجتماعی از منظر بن نبی

مالک ظهور جامعه را برآمده از پیدایش ایده‌ای روحانی می‌داند که سبب اتصال انسان‌ها و گروه‌ها به یکدیگر می‌شود (بن نبی، ۱۹۹۲: ۸۶). بدین روی، او اهمیت اصلی شبکه روابط اجتماعی را در نقش مبنایی آن در ساخت جامعه می‌داند. مالک بر این مسئله دست می‌گذارد که جامعه به‌عنوان زیربنا و شرایط حرکت‌های انسانی در واقع، تجلیگاه اتصال انسان‌ها و دسته‌های انسانی است که میانشان پیوندهای مختلفی برقرار شده است. به سخن او، جامعه با انسان‌ها و بدون این شبکه ارتباطی جامعه نیست (همان، ۱۹۸۵: ۳۵). این شبکه‌ای پیچیده و دقیق است که سبب ارتباط انسان‌ها و گروه‌ها می‌شود. شبکه‌ای که بر مبنای ایده‌ای پیشینی شکل گرفته و ذیل آن نسبت‌های ارتباطی که چند و چون تعاملات را شکل می‌دهد، برقرار ساخته است (عبود، ۱۳۶۷: ۴). مالک در بررسی‌های خود و در راستای نشان دادن اهمیت این شبکه به سراغ بررسی آموزه‌های ادیان می‌رود. در واقع، او به سراغ این آموزه‌ها و فرامین می‌رود تا نسبت آنها با آدمی و جامعه‌اش را کشف کند. او در ذیل بررسی‌های خود، پرده از این مهم برمی‌دارد که اساساً تمامی قوانین آسمانی به‌گونه‌ای تنظیم و مشخص شده‌اند تا از این شبکه، یعنی شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی، پاسداری کنند. گویی که مهم‌ترین اصل برای خدای ادیان حفظ چنین پدیده‌ای است. برای نمونه، مالک با بازخوانی فرامین ده‌گانه موسی، ذهن مخاطب را متوجه این قضیه می‌سازد که همگی فرمان‌ها به‌دنبال تحکیم شبکه مزبور و پرهیز دادن فرد و جمع از آسیب وارد ساختن به این شبکه است (همان: ۸۸). بر مبنای دیدگاه او، اینکه خدای موسی به او دستور می‌دهد تا به مردم امر کند که از قتل، دزدی، زنا، شهادت دروغ، طمع به مال و ناموس دیگری، بی‌حرمتی به والدین، شرک و بت‌پرستی و... پرهیز کنند، همه برای حراست و نگاهداری از چنین شبکه‌ای است که افتراق آن افتراق اجتماعی را سبب می‌شود و در نتیجه، شرایط برای رشد آدمی موجود نخواهد بود.

اهمیت دیگر این شبکه از منظر مالک، به خاطر نقش آن در تنظیم روابط میان سه عالم است. عوالمی که مالک آنها را عالم افکار، عالم اشخاص و عالم اشیا نام می‌گذارد. مالک هر جامعه را ساخته این سه عالم می‌داند. او بیان می‌کند که در هر جامعه ما عالمی از افکار و ایده‌ها داریم که به وسیله اشخاص آن جامعه به کار گرفته و مورد تحول قرار می‌گیرند و سبب خلق و نحوه به‌کارگیری اشیا در آن جامعه می‌شوند (فاضل قانع: ۱۳۹۴: ۷). این عالم افکار، فرمول تعامل اشخاص یک جامعه باهم و با محیط و اشیا پیرامونی‌شان و با خود افکار را تعیین می‌کنند (همان، ۲۰۰۵: ۱۳). اما باید دانست که تنظیم این روابط میان افکار و اشخاص و اشیا با شبکه روابط اجتماعی است. به کلام دیگر، مالک تأکید می‌کند که ساختار شبکه است که به‌کارگیری افکار توسط انسان‌های درون جامعه و گروه‌های انسانی را امکان‌پذیر می‌کند و همین شبکه است که به خاطر نسبت برقرار ساختن میان انسان‌ها میزان بهره‌برداری از اشیا را مقدور می‌سازد (همو، ۱۹۸۵: ۱۱-۱۲).

نکته فوق جنبه‌ای دیگر از اهمیت شبکه روابط اجتماعی را آشکار می‌کند. آن جنبه همان رخداد عمل مشترک و به دنبال آن فاعلیت افکار است. اساساً فاعلیت و اثربخشی از نقاط اصلی تحلیل مالک نسبت به جوامع موفق است (بن‌عیسی، ۲۰۱۰: ۶۱). مالک می‌گوید اگر به جوامع توانمند بنگریم، می‌بینیم که در آن جوامع ظهور عمل مشترک کمیت و کیفیت بیشتری دارد (همان، ۲۰۰۲: ۵۴). به سخن دیگر، آن جوامع قادرند تا با درک مسائل خود با قدرت جمعی مشترکی به حل مسئله پردازند و خواست فکری‌شان را پیاده‌سازی کنند تا اثربخش شود. ریشه این امر از منظر مالک در پیوندهای صحیح و محکمی است که در میان اعضا، ذهن و مسائل جامعه برقرار است و به افکار و اشیا و مسائل قدرت و ارزش ذهنی و عینی خاصشان را می‌دهد (همان، ۲۰۰۰: ج: ۵۶). این پیوند بخشی از شبکه روابط اجتماعی است.

مالک در بحث در باب شبکه روابط اجتماعی، به جنبه‌ای دیگر از اهمیت آن نیز، که کمتر مورد اشاره قرار گرفته، دست می‌گذارد و آن انرژی زیستی در جامعه است. بن‌نبی می‌گوید باید بدانیم که هر جامعه انرژی‌ای دارد که حاصل تجمع انرژی‌های به هم متصل اعضا، گروه‌ها و نهادهای آن جامعه است (همان، ۱۹۸۵: ۶۵). این انرژی سرعت و قدرت حرکت جامعه و تمدن

را سبب می‌شود. اما باید دانست که در برخی جوامع همه انرژی‌ها به‌کار گرفته نمی‌شوند و بخشی از انرژی‌های موجود در جامعه بدون نقش بازی کردن در جامعه هدر می‌روند. مالک علت را در نبود پیوند مناسب میان آن بخش از جامعه یا آن افراد از جامعه با بقیه جامعه می‌داند (همان: ۷۶). به همین شکل، سنجه‌ای دیگر در فهم قدرت و تفاوت جوامع آشکار می‌شود. جوامع پویاتر و با توانمندی بالا، شبکه متنوع و پرشمارتری از روابط اجتماعی دارند که سبب بالا بردن برآیند انرژی‌های زیستی اعضا و گروه‌های آن جامعه و در نتیجه، شدت گرفتن رشد جامعه مذکور می‌شود. جوامعی که شبکه روابط اجتماعی ضعیف‌تر و یا کمتری دارند، در درون خود جزیره‌های جمعیتی و منقطع بیشتری دارند و از این رو، قادر به بهره بردن از انرژی آن بخش نیستند و/یا به سبب پیوندهای کمتر از میزان کمتری از انرژی آن بخش بهره می‌برند.

مالک در اینجا نکته‌ای مهم را یادآوری می‌کند؛ اینکه مواردی همچون تشکیل جامعه، تنظیم روابط میان عوالم سه‌گانه، پیگیری وقوع عمل مشترک و به فاعلیت رساندن ایده، سامان‌دهی به انرژی زیستی جامعه و... در اصل برای فراهم نمودن شرایطی است که آدمی بتواند بر چالش‌ها و مسائل پیش روی بقا و کیفیت حرکت او فائق آید. بر همین راستا، باید دانست سازوکار پاسخ‌دهی به چالش انسان و جامعه به نسبت نوع چالش و نوع بوم زیست‌ها متفاوت می‌باشد (Larsen and Fondahl, 2015: 428). این انسان برای سیطره بر مسئله و راهبردیابی نیازمند است تا داشته‌ها و اندوخته‌های متنوعی داشته باشد اما چون به حیث انسان بودن، محدودیت‌هایی دارد، ناچار است تا از ذهن و توان دیگری یا دیگران در این جهت یاری گیرد. این مهم نشان می‌دهد که هر اندازه شبکه ارتباطی او گسترده و پرتعداد باشد، پاسخ‌پایی‌اش به مسئله امکان‌پذیرتر می‌شود (نبوخلخال، ۱۴۳۳: ۱۰۶). همین نمونه بر جامعه نیز قابل تطبیق است؛ یعنی یک جامعه یا گروه اجتماعی هر اندازه شبکه روابط اجتماعی متعددی را برای خود شکل داده باشد، پاسخ‌دهی و گذر از چالش‌ها برایش آسوده‌تر خواهد بود.

اهمیت دیگر شبکه روابط اجتماعی و پرداختن به آن از منظر مالک بن‌نبی، در نقش کیفی و کمی آن در ممانعت از ورود عنصر مزاحم بیرونی و فرامرزی است. مالک یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زا و خطرآفرین برای جوامع تمدنی را ستیزه‌جویی و سلطه‌خواهی عوامل فرامرزی

همچون استعمار می‌داند (همان، ۲۰۰۲: ۳۸). در واقع، هر جامعه‌ای باید همیشه مراقب تهدید جوامع بیرونی و فزون‌خواه باشد که در پی چیرگی بر منابع و روابط او هستند (تمرسیت، بی‌تا: ۶). اما اینکه چگونه عاملی بیرونی می‌تواند بر جامعهٔ درونی رسوخ کرده و بر آن سلطه یابد را مالک در ذیل همین شبکه روابط اجتماعی می‌داند و این‌گونه اهمیتی جدی را برای این شبکه ترسیم می‌کند. مالک در آثار خود نشان می‌دهد که ورود عامل مزاحم فرامرزی در جامعه در نسبت با قوت و ضعف این شبکهٔ روابط اجتماعی است و هرچه این شبکه در هم تنیده‌تر، پرشمار و محکم‌تر باشد، امکان دخالت عامل بیرونی کمتر می‌شود و هراندازه این شبکه سست‌تر، ضعیف‌تر و از هم گسیخته‌تر باشد، جامعه فراقی را شاهد خواهد بود که فرصت ظهور و رشد عامل بیرونی می‌شود (همان، ۱۹۸۵: ۲۵). این امر به زبان مالک اهمیتی توجه بدین شبکه را بیش از پیش نشان می‌دهد.

مالک حسب تخصص و دغدغه‌اش دائم در پی تحلیل تمدن و یافتن علل رشد و افول آن است. همین هدف‌گذاری مالک سبب شده تا مفاهیمی که در آثار خود مطرح می‌کند و به واریسی اجتماعی آنها می‌پردازد را به‌گونه‌ای ذیل هرم تمدن ببیند و به نسبت سنجی آنها با تمدن بپردازد. نتیجه‌ای که او از طرح مقولهٔ شبکهٔ روابط اجتماعی می‌گیرد نیز به همین‌جا می‌رسد. او در آثار خود، اهمیتی این شبکهٔ روابط را به سبب جایگاه ویژه‌اش در تمدن‌سازی و حفظ قوام و حرکت تمدن می‌بیند. در واقع، شبکهٔ روابط اجتماعی سلسله‌ای از پیوندها را می‌سازد که این سلسله چه با ارتباطات اجتماعی در یک دورهٔ مشخص و چه با ارتباطات بینانلسلی سبب انتقال فرهنگ و داشته‌های تمدنی می‌شود و هراندازه که این شبکه در دوره‌ای قوی‌تر باشد، پیشرفت‌ها و محصول آفرینی‌های تمدنی بیشتر است (همان: ۳۳-۳۴). زایش تمدن‌ها پابست شبکهٔ روابط اجتماعی است و این شبکهٔ روابط اجتماعی است که در خلال گذر نسل‌ها سبب تمدن‌پذیری و انتقال هویت تمدنی می‌شود.

۲. نحوهٔ سنجش وضعیت شبکهٔ روابط اجتماعی

اما بخش دوم این پژوهش مربوط به بررسی نحوهٔ سنجش وضعیت شبکهٔ روابط اجتماعی از منظر مالک بن‌نبی است. در این بخش، قصد داریم تا بر مبنای آثار و تحلیل‌های بن‌نبی نشان

دهیم که چگونه می‌توان کیفیت وضعیت شبکه روابط اجتماعی را در یک بوم‌زیست سنجید. این بخش باید به ما نشان دهد که برتری و ضعف شبکه‌های روابط اجتماعی در جوامع مختلف به چه صورت خود را نشان می‌دهند. از آن‌رو که انسان عنصر اصلی سازنده جوامع و تمدن‌هاست، نخست باید متوجه او شد و در گام اول، حول او به تحلیل این شبکه پرداخت و سپس به دیگر ابعاد جامعه توجه کرد.

مالک در سنجش کیفیت شبکه روابط اجتماعی نخست ما را متوجه نسبت افراد باهم می‌کند. این یعنی باید بدانیم که افراد در جوامع، شخصیتی ویژه می‌یابند که این شخصیت بر آنها وظایفی را بار می‌کند. نخستین وظیفه بر مبنای شبکه روابط اجتماعی وظیفه فرد نسبت به فرد دیگر در جامعه است. با این سؤال که آیا افراد جامعه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت‌پذیری دارند؟ (See: Benlahcene, 2013:7) آیا مسائل دیگر اعضای جامعه برای بقیه مهم است؟ و به چه میزان به چالش‌ها و نیازهای دیگر اعضا از سوی بقیه افراد توجه می‌شود؟ این سؤالات و سؤالاتی از این دست، و به دنبال آن، پاسخی که می‌یابند به‌حسب جوامع می‌تواند بخشی از وضعیت شبکه روابط اجتماعی را نشان دهد (همان، ۲۰۰۰ ب: ۷۴).

در ذیل همین سنجش، مالک به نسبتی که فرد در یک جامعه با جامعه خود دارد نیز اشاره و به نوعی وضعیت فرد با جامعه خود را نمایش دهنده تعلقات او، که برآمده از شبکه روابط اجتماعی است، معرفی می‌کند. هرچه فرد تعلق بیشتری به عوالم سه‌گانه موجود در جامعه خود داشته باشد، به همان میزان می‌توان دریافت که تعداد پیوندهای بیشتری نیز با عالم افکار، اشخاص و اشیا پیرامونی خود دارد. کمیتی که تعدد و گستردگی شبکه روابط اجتماعی را برای جامعه مذکور نشان می‌دهد (همان، ۱۹۸۵: ۲۴-۲۵). در اصل، فرد با مسائل جامعه خود در تعامل است و فردیت بر او غلبه نیافته.

مقوله دیگری که می‌تواند خیر از کیفیت شبکه روابط اجتماعی در یک جامعه دهد، موضوع تعاملات طبقات اجتماعی با یکدیگر است. در این زمینه و حسب نوشته‌های مالک می‌توان با تقسیم‌بندی سه‌گانه به جامعه، یعنی طبقه توده، نخبگان و کارگزاران، به میزان و کیفیت تعامل آنها پرداخت. میزان تعاملات در واقع، برآمده از میزان اعتبار و اعتنایی است که هر طبقه به طبقه

دیگر دارد و بدین شیوه، نشان می‌دهد که چه میزان پیوند میان آنها برقرار است. البته می‌توان طبقات را به تقسیم‌بندی‌های خردتری نیز دسته‌بندی کرد تا بدین نمط دقت و حوزه تأثیر و تعامل را بهتر دریافت. جوامعی که شبکه روابط اجتماعی در آن قوت بیشتری دارد، تعاملات طبقات اجتماعی نیز دارای تعدد بیشتری است. قوت این امر سبب بالا رفتن فهم طبقاتی در برخورد با چالش‌ها می‌شود. در چنین جامعه‌ای، نخبگان شناخت بیشتری از وضعیت توده و کیفیت مدیریت و منابع کارگزاران دارند و از آن‌سو تعامل کارگزار و گشودگی آنها برای نخبگان و توده در حد مطلوبی است (همان، ۲۰۰۵: ۵۸). همچنین توده سهولت بالایی در ارتباط با نخبه و کارگزار دارد (Berghout, 2001: 8).

زاویه وجه دیگری که تصویر شبکه روابط اجتماعی را هویدا می‌سازد، موضوع انسجام میهنی و همبستگی ملی است. سخن از این وجه آنگاه برجسته می‌شود که میهن را برآمده از مجموعه جوامع با خرده فرهنگ‌های گوناگون و قومیت‌ها و فرق متفاوت بشناسیم. شبکه روابط اجتماعی در اینجا علقه‌ها و پیوندهای میان قومیت‌ها، فرق و خرده فرهنگ‌ها را نشان می‌دهد. مالک گاه با اشاره کردن به تاریخ تحول دیگر ملل به‌طور صریح یا ضمنی، روند تحول این شبکه را در ملل مختلف نشان می‌دهد (همان، ۲۰۰۰ ج: ۸۳). برای نمونه تلاش‌هایی که از سوی برخی دولت‌ها، همچون چین، در مقوله انقلاب فرهنگی رخ داد، نشان از اهمیت این شبکه در زمینه میهنی می‌دهد و سیاست‌هایی که اتخاذ شد گواه برنامه‌ریزی برای بالا بردن کم و کیف این شبکه است. تا آنجا که توحید البسه برای کاستن از تفاوت‌ها و بالا بردن هم‌گرایی در این راستا تفسیر می‌شود (همان).

مالک در تبیین مراحل تمدن، از سه مرحله اصلی با نام مرحله روح، مرحله عقل و مرحله غریزه نام می‌برد (همان، ۱۹۸۵: ۳۷). قوت و جایگاه تمدن به‌عنوان زمینه رشد فرد و جامعه نیز در نسبت با سلطه هر یک از این حالت‌ها بر جامعه و زیست بوم است. در دوره روح و سیطره آن بر عقل و غرایز جامعه، به سبب حفظ سلسله‌مراتب، یعنی خرد و غریزه در جایگاه‌های خود و نزدیکی ذهن جامعه به ایده وحدت‌ساز تمدنی و در نتیجه، شدت پیوندهای اجتماعی، تمدن در شتاب بیشینه خود قرار دارد. پس از آن و با کاستن از قدرت

روحانی، عقل و غریزه آزاد شده و به مرور زمان و با ضعف روح، به سبب عدم توان عقل بر کنترل غریزه، غریزه آزاد و در صورت عدم حضور مؤثر روح، تمدن به فروپاشی و ورود به دوره مابعد تمدنی نزدیک می‌شود (همان، ۱۹۹۲: ۱۰۸). بررسی‌های مالک نشان می‌دهد که قدرت شبکه روابط اجتماعی را به میزان این دوره‌ها می‌توان سنجید. یعنی به مرور و با گذر از روح به عقل و غریزه از قدرت شبکه روابط اجتماعی کاسته و به انفصال اجتماعی می‌رسد. با مشاهده وضعیت جامعه به نسبت حضور و سیطره غریزه یا عقل بشری و جایگاه روح می‌توان وضعیت این شبکه را اندازه‌گیری کرد.

زمان حل مسئله در یک جامعه، سنجه‌ای دیگر است که مالک برای فهم وضعیت شبکه روابط اجتماعی در یک جامعه به پیش می‌کشد. او با ذکر وقایع تاریخی در جغرافیای مختلف جهان، نشان می‌دهد که زمان پاسخ به مسئله و پیشامدها یکسان نیست. سؤالی که مطرح می‌شود این است که این تفاوت ناشی از چیست؟ برای نمونه، آلمان در انتهای جنگ جهانی دوم، به کلی نابود شد، اما در بازه زمانی ۱۰ ساله جهشی عظیم را نشان داد. واکاوی او نشان می‌دهد که جامعه آلمانی با از دست دادن ظواهر در جنگ جهانی دوم، اما عناصری را در درون خود حفظ کرده که به آن اجازه می‌دهد تا در پس هر شکستی، خود را به سرعت بازسازی کند (همان، ۲۰۰۰ الف: ۱۸). یکی از این عناصر شبکه روابط اجتماعی قوی است که با مشاهده هر چالش در جامعه، به سبب داشتن چنین شبکه‌ای محکم، به سرعت راه‌حل موردنظر را می‌یابد و حلال مسئله را به مسئله رسانده و الزامات حل آن را فوراً فراهم می‌کند (همان، ۱۹۸۵: ۳۴). از این رو، برای درک کیفیت این شبکه، می‌توان به زمان حل مسئله در هر بوم زیست توجه کرد.

طبق بررسی‌های مالک، نوع مسائل مطرح در جامعه نیز می‌تواند ما را با وضعیت این شبکه بیشتر آشنا سازد. درحقیقت، سلامت این شبکه منجر به آگاهی اعضای جامعه از مسائل و چالش‌های عینی اجتماعی شده و مانع از فرو رفتن اعضا یا بخش‌های جامعه در دغدغه‌ها و چالش‌های فردی یا ضداجتماعی می‌گردد. برای نمونه و به گفته او، اگر به وضعیت سؤالات نخبگان در جامعه اسلامی پیش از حضور استعمار پردازیم، مشاهده می‌کنیم که جامعه مزبور دچار یک فروکاست کیفی در پرسش‌های خود شده و سؤالات آنچنان نسبتی با چالش‌های

جامعه ندارد (همان، ۱۹۸۵: ۴۰-۴۱). آثار فقها و گزارش‌های تاریخی از موضوع مباحث آنها نیز مؤید این مطلب است (همان).

جامعه سالم باید بتواند با اتکا به خود از پس چالش‌ها برآید. این جامعه می‌تواند با فرامرز نیز در قالب یک تعامل و دادوستد طبیعی و غیر تحمیلی در ارتباط باشد. اما اگر در بوم‌زیستی میزان دخالت عناصر فرامرزی و بیگانه بالا رفت و تاثیر مادی و معنوی آنها بر جامعه مذکور شدت گرفت، می‌توان دریافت که بخشی از شبکه روابط اجتماعی در آن جامعه دچار اختلال عملکرد، ضعف قوت و پارگی بوده است (همان، ۱۹۸۱: ۲۳). درحقیقت، نبود یا ضعف پیوند میان برخی اعضا و/یا بخش‌ها این اجازه را به عامل بیرونی داده تا به حیات و نفوذ در گستره اجتماعی مزبور پردازد و بتواند از شبکه انرژی آن بهره‌مند گردد.

۳. عوامل مؤثر بر شبکه روابط اجتماعی

بخش آخر این پژوهش و بر مبنای سؤالات تحقیق به شناسایی عوامل مؤثر بر شبکه روابط اجتماعی از منظر مالک بن‌نبی می‌پردازد. در اینجا نیز بن‌نبی متوجه انسان به‌عنوان بازیگر اصلی معادله تمدنی می‌شود. او بیان می‌کند که فرد زمانی که وارد جامعه می‌شود و عضوی از آن به حساب می‌آید، طبیعتاً نقشی اجتماعی می‌پذیرد و از فرد بودن خارج و به شخص تبدیل می‌شود. در واقع، او شخصیتی اجتماعی می‌یابد (شاویش، ۲۰۰۷: ۳۱). اما باید دانست که من او با اوست و فردیت از او جدا نمی‌شود. جامعه پویا شرایطی ایجاد می‌کند که شخصیت اجتماعی او بر روحیه فردگرایی و منبتش غلبه و او را وظیفه‌مدار و مسئولیت‌پذیر سازد (همان، ۲۰۰۲: ۱۰۵). حال به هر میزان که این من بزرگتر شود، نگرش و مسئولیت‌پذیری فرد کاهش می‌یابد و به دنبال آن، روابط اجتماعی فرد با دیگر اعضا و بخش‌های جامعه دچار ضعف و آسیب می‌گردد (همان، ۱۹۸۵: ۴۰). بدین‌سان، توجه جامعه به رشد شخصیت‌ها برای حفظ شبکه روابط اجتماعی و بهبود آن بسیار مهم است.

عامل مؤثر دیگر بر شبکه روابط اجتماعی، حفظ ارزش و جایگاه قوانین اخلاقی جامعه است. اساساً این قوانین برای تنظیم روابط میان اعضای جامعه با یکدیگر و به نسبت جامعه

تعریف و تنظیم شده است. آن‌گونه که مالک به تشریح جایگاه قوانین اخلاقی جامعه می‌پردازد، باید گفت اختلال در این قوانین، یعنی ایجاد شکاف و گسل در میان اعضا و بخش‌های جامعه. برهم خوردن قوانین اخلاقی سبب برهم خوردن تنظیمات کل سیستم شده و حرکت جامعه را دچار مشکل کرده و گاه سبب عقب‌گرد آن می‌شود (همان: ۴۹). این اخلال در قوانین در واقع، نسبت‌های تعیین‌شده در شبکه روابط اجتماعی را هدف قرار می‌دهد و به کارکرد صحیح آن آسیب می‌رساند.

نسبت فشار اجتماعی که بر پیوندها وارد می‌شود، موضوعی دیگر در این زمینه است که رابطه‌ای مهم با قوت و ضعف شبکه پیوندها دارد. این مهم مبتنی بر این اصل آسیب‌شناسانه است که شدت فشار بر روابط اگر نسبتی معقول و به‌اندازه نداشته باشد، می‌تواند سبب فروپاشی شبکه شود. بررسی جوامع نشان می‌دهد که فشار اجتماعی کمتر از میزان لازم سبب پارگی و تحلیل رفتن پیوند شده و این فشار زائیده عدم توجه اعضای جامعه به پیوندهای مزبور است (همان، ۲۰۰۰ ج: ۹۰). همچنین فشار فراتر از میزان مطلوب نیز سبب شکسته شدن پیوند می‌شود و این فشار بیشینه در موارد بسیاری، ناشی از عامل بیرونی است.

رشد فراق اجتماعی و به‌دنبال آن، جزیره‌ای شدن عاملی مهم در تضعیف شبکه پیوندهاست. بررسی آثار مالک نشان می‌دهد که مسیر فراق از ذهن اهالی جامعه می‌گذرد و جدال افکار و عقاید اگر ضابطه‌مند نباشد، می‌تواند زمینه فراق را افزایش دهد (همان، ۱۹۸۵: ۵۳). در واقع، نخست ذهن اهالی جامعه از هم فاصله می‌گیرد و به‌دنبال آن رفتار و نمود بیرونی اعضا متفاوت می‌شود و دسته‌بندی‌ها شیوع پیدا می‌کند.

امر دیگر در تحکیم یا تضعیف این شبکه، مربوط به رفتار طبقات فرهنگی آن جامعه به‌ویژه طبقه نخبگانی آن بازمی‌گردد؛ اینکه نخبگان جامعه رهیافت‌ها را از درون جامعه می‌جویند و/یا از بیرون آن. این امر می‌تواند ذیل این اصل تفسیر شود که پاسخ نخبه یا مسیر رسیدن به پاسخ او بومی و مبتنی بر تحلیل روابط درونی است و/یا پاسخش یک پاسخ وارداتی است (همان، ۲۰۰۵: ۱۴). مالک دوره‌هایی از تاریخ ملل را نشان می‌دهد که شدت و ضعف شبکه روابط اجتماعی‌شان در تناسب با سبک راهبردی‌شان بوده است. این یعنی جوامع متکی به خود برای

حل مسئله پیوندهای بیشتری در درون می‌سازند و شبکه قوی‌تری شکل می‌دهند و جوامع متکی به غیر با اتصال به دیگری نیاز به اعضای درونی را کمتر و طبیعتاً شبکه ضعیف‌تری به وجود می‌آورند. مالک در نسبت با همین سخن به‌طور ضمنی، اشاره می‌کند جوامعی که به فرامرز خود اجازه بیشتری به دخالت در امور مادی و معنوی خود چه از حیث فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... می‌دهند، مشکلات بیشتری در حوزه شبکه روابط اجتماعی داخلی دارند (همان، ۱۹۹۲: ۵۰).

امر دیگر میزان واردات و گشودگی جامعه به اشیا و ایده‌های دیگر جوامع است. مالک ابتدا این هشدار را می‌دهد که ارزش یک جامعه نه به میزان اشیا آن بلکه به میزان قوت نظام ایده‌ها و شبکه اجتماعی آن جامعه و زیست‌بوم است (همان، ۱۹۸۵: ۳۴). برای روشن‌تر شدن این مسئله، مالک واقعه جنگ اعراب و اسرائیل را نشان می‌دهد، اینکه چگونه اعراب با حجم بیشتر اشیا جنگی، شکست خوردند (همان، ۱۹۶۹: ۲۰-۲۱). یک جامعه اگر میزان بالایی اشیا و ایده را بدون نظامات خاصی وارد جامعه خود کند، آسیبی جدی به شبکه روابط اجتماعی خود، که باید برای چنین تولیدی ایجاد و تقویت می‌شد، وارد می‌کند. درحقیقت، این جامعه بازوی تولید فکر و ماده خود، که در ادامه یک سلسله پیوند اجتماعی بوده، را از مدار اصلی خارج می‌کند و از آن سو به سبب ناتوانی در کنترل ایده و شی وارداتی و برقراری نسبت درست با آن به مرور، چالش‌های نویی برای جامعه خود می‌سازد که او را از مسائل اصلی و حقیقی‌اش باز می‌دارد.

نتیجه‌گیری

شبکه روابط اجتماعی پدیده‌ای ضروری در ساخت جامعه و تمدن و زیربنای ارتباطی میان انسان و پیرامون اوست. توجه به این پدیده می‌تواند جوامع را در حفظ، تقویت و توسعه آن هشیار کند. در میان متفکران مسلمان، که دغدغه اصلی‌شان جامعه و ساخت و حرکت تمدنی است، مالک بن‌نبی ویژه برای این شبکه قائل و ازهمین‌رو، به‌طور خاصی، این سرفصل را در مطالعات خود مورد بررسی قرار داده است. وی در آثار خود و در کتابی که با همین عنوان به رشته تحریر درآورده، اهمیت شبکه مذکور، نحوه سنجش وضعیت و عوامل قوام‌بخش و تحلیل‌برنده آن را مورد واکاوی قرار داده است. در دیدگاه بن‌نبی، اهمیت شبکه

روابط اجتماعی از این قرار است: تشکیل جامعه؛ رابطه‌بخشی میان عوالم سه‌گانه، یعنی افکار، اشخاص و اشیا؛ انجام عمل مشترک؛ فاعلیت و اثربخشی افکار؛ سامان‌دادن به انرژی زیستی جامعه؛ امکان‌سازی پاسخ به چالش‌های انسان و جامعه؛ ممانعت از ورود عنصر مزاحم به گستره اجتماعی؛ ایجاد ارتباط میان نسلی و تمدن‌پذیر ساختن جامعه انسانی. همچنین مالک نحوه سنجش وضعیت شبکه روابط اجتماعی در بوم زیست‌ها و دوره‌های تاریخی را از این طریق ممکن می‌داند: بررسی نسبت فرد با فرد از منظر مسئولیت‌پذیری؛ بررسی نسبت فرد با جامعه؛ بررسی نسبت طبقات جامعه با یکدیگر؛ مشاهده میزان انسجام و همبستگی میهنی؛ واریسی وضعیت روح به نسبت عقل و غریزه در جامعه؛ معاینه وضعیت مشکلات در جامعه و زمان حل آنها؛ بررسی نوع مسائل مطرح در اندیشه جامعه؛ کنکاش میزان نفوذ بیگانه بر جامعه و حوزه‌های مختلف آن. سرانجام مالک در نگاهی سبب‌شناسانه، به مخاطب علل مؤثر بر شبکه مذکور را نشان می‌دهد، علل اصلی‌ای که او برمی‌شمرد را می‌توان اینگونه عنوان کرد: بزرگتر شدن یا کوچکتر شدن جایگاه من نسبت به شخصیت اجتماعی افراد؛ اختلال یا انتظام در قوانین اخلاقی جامعه؛ ایجاد فشار بر شبکه روابط اجتماعی؛ رشد فراق اجتماعی و جزیره‌ای شدن؛ رهیافت‌پذیری از درون یا بیرون جامعه؛ میزان اجازه به عامل بیرون از جامعه برای دخالت و واردات چالش‌های تصنعی وارداتی.

منابع

- اعظم آزاده، منصوره؛ دهقان دهنوی، آزاده (۱۳۸۷)، «اشتغال دانشجویان: رابطه بین شبکه روابط اجتماعی وضعیت شغلی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال شانزدهم، شماره ۶۳، ویژه‌نامه علوم اجتماعی (۶): ۵-۳۲.
- باستانی، سوسن؛ صالحی، مریم (۱۳۸۶)، «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۳۰، شماره پیاپی ۱۶۷۷: ۶۳-۹۵.
- بن‌عیسی، عمر (۲۰۱۰)، *مالک بن‌نبی فی تاریخ الفکر الاسلامی و فی مستقبل المجتمع الاسلامی*، دمشق: دارالفکر.

- بن نبی، مالک (۱۹۶۹)، *انتاج المستشرقین و اثره فی الفكر الاسلامی الحدیث*، بیروت: دارالارشاد.
- بن نبی، مالک (۱۹۸۱)، *الصراع الفکری فی البلاد المستعمره*، ترجمه عمر کامل مسقاوی، دمشق: دارالفکر.
- بن نبی، مالک (۱۹۸۵)، *شبكة العلاقات الاجتماعیة (الجزء الاول من میلاد مجتمع)*، ترجمه عبدالصبور الشاهین، دمشق: دارالفکر.
- بن نبی، مالک (۱۹۹۲)، *شروط النهضه*، ترجمه عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین: دمشق.
- بن نبی، مالک (۲۰۰۰ الف)، *المسلم فی عالم الاقتصاد*، ترجمه عمر کامل مسقاوی، دمشق: دارالفکر.
- بن نبی، مالک (۲۰۰۰ ب)، *فکره کمونیلت اسلامی*، ترجمه الطیب الشریف، دمشق: دارالفکر.
- بن نبی، مالک (۲۰۰۰ ج)، *مشکلہ الثقافه*، ترجمه عمر کامل مسقاوی، دمشق: دارالفکر.
- بن نبی، مالک (۲۰۰۲ ب)، *فی مهب المعرکه*، ترجمه عمر کامل مسقاوی، دمشق: دارالفکر.
- بن نبی، مالک (۲۰۰۲ د)، *وجهه العالم الاسلامی*، ترجمه عبدالصبور الشاهین، دمشق: دارالفکر.
- بن نبی، مالک (۲۰۰۵)، *من اجل التغيير*، ترجمه عمر کامل مسقاوی، دمشق: دارالفکر.
- بوخلخال، عبدالوهاب (۱۴۳۳)، *قراءه فی فکر مالک بن نبی*، اداره البحوث و الدراسات الاسلامیه.
- تمرسیت، فتیحه (بی تا)، «قراءه انتروبولوجیه لفکر مالک بن نبی: تحلیل کتاب شروط النهضه»، *مجله التغيير الاجتماعی*، العدد الرابع: ۳۸۷-۳۷۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، *روش های تحقیق در علوم/اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاییش، محمد (۲۰۰۷)، *مالک بن نبی و الوضع الراهن*، دمشق: دارالفکر.
- عبود، شلتاغ (۱۳۶۷)، «دور الفکره فی بناء الحضاره فی رای مالک بن نبی»، *التوحید العربی: العدد الاول: ۲۲۷-۲۴۱*.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۴)، «گفتمان اسلام سیاسی براساس خوانش امام خمینی، سید قطب و مالک بن نبی»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۵: ۳۳-۵۴.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- محمودیان عطاءآبادی، حمید؛ بیابان نورد سروستانی، علیرضا (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی «نظریه تمدن» از دیدگاه فوکوتساوا و مالک بن‌نبی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره ۲: ۱۶۹-۱۸۹.
- مهندی، محمدعلی؛ کریمی نیا، مرتضی (۱۳۹۳)، مدخل «بن‌نبی مالک»، *دانشنامه جهان اسلام*: ج ۱: ۱۹۰۱-۱۹۰۲.
- میرزایی، نجفعلی (۱۳۹۳)، «بررسی کلی مفاهیم پایه تمدن اسلامی در اندیشه مالک بن‌نبی»، *فصلنامه نقد و نظر*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، دوره ۱۹ (۷۴): ۸۹-۱۱۷.
- ولد اباه، السید (۲۰۱۰)، *اعلام الفکر العربی: مدخل الی خارطه الفکر العربی الراهنه*، بیروت: الشبکه العربیه للابحاث و النشر.
- Benlahcene, Badrane (2013), *The Socio-Intellectual Foundations of Malek Bennabi's Approach to Civilization*, London: International Institute of Islamic Thought (IIIT).
- Berghout, Abdulaziz (2001), "The Concept of Culture and Cultural Transformation: Views of Malik Bennabi", *Intellectual Discourse*, Vol 9, No1:67-83.
- Larsen, Joan Nymand; Fondahl, Gail (2015), *Arctic Human Development Report: Regional Processes and Global Linkages*, Nordic Council of Ministers.
- McManus, Ruth (2012), *Death in a Global Age*, New Zealand: Macmillan International Higher Education.